

نقش میانجی‌گری تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی در تبیین رابطه بین کیفیت سود و ارزش شرکت

دکتر غلامحسین مهدوی*

علی اصغر دهقانی سعدی**

چکیده

از آنجا که سرمایه‌گذاران به تأخیر زمانی در ارائه صورت‌های مالی به‌وسیله شرکت‌ها، واکنش نشان داده و این موضوع باعث تجدیدنظر در انتخاب مکان سرمایه‌گذاری آنان خواهد شد؛ از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تجربی نقش میانجی‌گری تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی در تبیین رابطه بین کیفیت سود و ارزش ۹۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۳ است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی معادلات ساختاری استفاده شده است. پس از بررسی و آزمون داده‌ها، نتایج نشان داد که رابطه‌ای منفی و معنادار بین کیفیت سود و تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی وجود دارد. هم‌چنین، نتایج حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی و ارزش شرکت است. افزون بر این، رابطه میانجی‌گری تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی در تبیین رابطه بین کیفیت سود و ارزش شرکت تأیید شد. بنابراین، می‌توان بیان کرد که کیفیت ضعیف سود، افزایش تأخیر در گزارش حسابرسی را

*استاد حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: علی اصغر دهقانی (Email: ira.dehghani@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۸

به همراه دارد و این امر باعث تعدیل منفی (کاهش) در ارزش شرکت به وسیله سرمایه‌گذاران خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت سود، تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی، ارزش شرکت، الگوی معادلات ساختاری.

مقدمه

بر اساس نظریه بازار کارآ مطرح شده به وسیله فاما^۱ (۱۹۷۶)، قیمت سهام می‌تواند منعکس‌کننده اطلاعات در دسترس عموم درباره شرکت باشد که به اعتقاد اوسولیوان و مک‌کالیگ^۲ (۲۰۱۲) سود، بخش مهمی از این اطلاعات است و تحلیل‌های مالی مرتبط نشان‌دهنده آن است که مدیران ارشد و سرمایه‌گذاران، اغلب از سود به‌عنوان یکی از عامل‌های مهم تعیین‌کننده ارزش شرکت یاد می‌کنند. بنابراین، سود خالص به‌عنوان معیاری به منظور ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری واحد انتفاعی مورد توجه بیشتر ذی‌نفعان قرار گرفت. از این‌رو، می‌توان چنین پنداشت که سود گزارش شده، فراهم‌کننده اطلاعاتی مهم برای استفاده سرمایه‌گذاران در ایجاد انتظارات و توقعات آنان درباره سودهای آتی، جریان‌های نقدی و ارزش شرکت محسوب می‌شود. اما، با توجه به واقعیت‌های محاسباتی سود مانند، استفاده از اصول تحقق و تطابق^۳ که تحت تأثیر اختیار عمل مدیران است، نشان‌دهنده این موضوع است که شاید سودهای گزارش شده از سوی مدیران منعکس‌کننده عملکرد واقعی شرکت‌ها نباشد (چنگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۳). لذا، در این زمینه از دیدگاه فعالان حاضر در بازارهای سرمایه بین‌المللی مشاهده شده است که تأخیر غیرمنتظره در گزارشگری مالی ممکن است با کیفیت پایین اطلاعات، رابطه داشته باشد (کنچل و پاین^۵، ۲۰۰۱).

به این ترتیب، به هر اندازه که شرکت‌ها در تهیه صورت‌های مالی از شفافیت و ثبات رویه بیشتری برخوردار باشند، حسابرسی آنان به وسیله حسابرسان مستقل نیز با مدت زمان کم‌تری انجام خواهد شد. زیرا، به میزانی که کیفیت گزارشگری مالی (از جمله سود) پایین باشد، عدم اطمینان از اطلاعات افزایش یافته و حسابرسان نیز برای اطمینان

یافتن از صحت اقلام مندرج در صورت‌های مالی، باید وقت بیشتری را صرف بررسی حساب‌ها و اقلام مندرج در صورت‌های مالی کنند. هم‌چنین، مدیران شرکت‌ها برای پنهان‌سازی اعمال غیرقانونی خود و یا به منظور پنهان کردن رویه‌های مدیریت مالیات (از طریق سود مدیریت شده) ممکن است سیاست‌ها و رویه‌هایی را در پیش گیرند که منجر به عدم شفافیت در گزارشگری مالی آنان شود (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳). از این رو، از نظر کروس^۶ (۱۹۸۲) شرکت‌هایی که در سلامت مالی نیستند، ممکن است اخبار بد (مانند کاهش سودآوری) را با تأخیر زمانی اعلام کرده و این امر به نوبه خود می‌تواند باعث افزایش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی و صورت‌های مالی حسابرسی شده شود. در این راستا، نتایج پژوهش کینی و مک‌دانیل^۷ (۱۹۸۹) حاکی از وجود رابطه مثبت بین تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی و اندازه بزرگ‌نمایی در مورد سود است. هم‌چنین، لمبرت^۸ و همکاران (۲۰۱۱) نیز نشان دادند که بین کیفیت سود پایین و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به مطالب یاد شده و عواقب مربوط به تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال‌ها است: ۱. آیا کیفیت ضعیف سود، منجر به افزایش غیرعادی در مدت زمان ارائه گزارش حسابرسی می‌شود؟ ۲. آیا تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی، بر ارزش شرکت در بازار سرمایه اثرگذار است؟ در این بین، با توجه به ساز و کار پژوهش حاضر و متغیرهای موجود، این مقاله با مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع و هم‌چنین روش پژوهش و فرضیه‌های برگرفته از مسئله و مبانی نظری پژوهش ادامه می‌یابد و پس از آن، نتایج آزمون فرضیه‌ها بیان شده و سرانجام با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها، مبانی نظری و پیشینه‌ها، نتیجه‌گیری خواهد شد و با ارائی، پیشنهادها به پایان می‌رسد.

مبانی نظری پژوهش

در حالت کلی، اطلاعات به‌مثابه آگاهی یا دانشی است که شناخت استفاده‌کنندگان را شکل داده یا تغییر می‌بخشد و در نهایت به تصمیم‌گیری آگاهانه و یا به بازنگری در

تصمیم‌های اتخاذ شده در گذشته، منجر می‌شود (آن^۹، ۲۰۰۹). از این رو، اطلاعات حسابداری مالی محصول نهایی نظام‌های حسابداری و گزارشگری برون‌سازمانی شرکت‌ها است که پس از اندازه‌گیری در اختیار عموم قرار می‌گیرد (باشمن و اسمیت^{۱۰}، ۲۰۰۱). در این صورت، سرمایه‌گذاران بهتری می‌توانند خطر و بازده بالقوه سرمایه‌گذاری خود را برآورد کنند (مرکز تحقیقات و توسعه بازار سرمایه ایران، ۱۳۸۳). هم‌چنین، به این نکته نیز می‌توان اشاره داشت که افشای کامل و باکیفیت اطلاعات مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، راه‌کاری مهم برای تضمین حمایت از سرمایه‌گذاران است (سیاجیان^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۳). لذا، یکی از این نوع اطلاعات، سود است که از جمله برترین بارزترین شاخص‌های اندازه‌گیری فعالیت‌های یک واحد اقتصادی به شمار می‌آید (ثقفی و آقایی، ۱۳۷۳).

در این راستا، این امر در بیشتر پژوهش‌ها به اثبات رسیده است که سود مهم‌ترین منبع اطلاعاتی شرکت تلقی شده و تصمیم‌گیرندگان، به سود، بیشتر از هر معیار دیگری اتکاء می‌کنند (ثقفی و سدیدی، ۱۳۸۶). زیرا، سرمایه‌گذاران به دنبال سهام شرکت‌هایی هستند که از توان سودآوری بالایی برخوردار بوده و حاضرند سهام این شرکت‌ها را به بالاترین قیمت خریداری کنند (ثقفی و بولو، ۱۳۸۸). اما، با توجه به واقعیت‌هایی چون تضاد منافع بین تهیه‌کنندگان اطلاعات و سرمایه‌گذاران، استفاده از برآورد و تخمین در محاسبه برخی از عناصر سود و زیان، امکان استفاده از روش‌های گوناگون حسابداری و موضوعاتی هم‌چون هموارسازی و مدیریت سود، کاربرد سود را به عنوان معیاری برای تصمیم‌گیری مورد تردید قرار می‌دهد (ایزدی‌نیا و نظرزاده، ۱۳۸۸). در نتیجه، عواقب ناشی از این گونه عوامل موجب می‌شود تا بیشتر ذی‌نفعان به سمت و سوی درک و اندازه‌گیری کیفیت سود روند. در این بین، پژوهشگران متعددی (مانند: برنستین^{۱۲}، ۱۹۹۳؛ دیچاو و دیچو^{۱۳}، ۲۰۰۲؛ شیپر و وینسنت^{۱۴}، ۲۰۰۳؛ ویسواناتان^{۱۵}، ۲۰۰۶؛ و فرانسیس^{۱۶} و همکاران، ۲۰۰۸) صحت، قابلیت اعتماد، قابلیت پیش‌بینی، قابلیت مقایسه، صداقت، نزدیکی به وجه نقد و دقت را به عنوان شاخص‌های سود با کیفیت تعریف

کرده‌اند. از سویی، می‌توان به این نکته نیز توجه داشت که صورت‌های مالی حسابرسی شده به‌عنوان یکی از منابع ارائه‌منصفانه اطلاعات برای استفاده‌کنندگان محسوب می‌شود، اما این اطلاعات زمانی می‌تواند به‌وسیله استفاده‌کنندگان مورد استفاده قرار گیرد که دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های کیفی باشد.

هم‌چنین، این موضوع به اثبات رسیده است که، به هر اندازه که شرکت‌ها در تهیه صورت‌های مالی از شفافیت، ثبات‌رویه و کیفیت بیشتری برخوردار باشند، حسابرسی آنان به‌وسیله حسابرسان مستقل نیز با زمان کمتری انجام خواهد شد. زیرا، به میزانی که کیفیت گزارشگری مالی پایین باشد، عدم اطمینان از اطلاعات افزایش می‌یابد و حسابرسان برای اطمینان یافتن از صحت اقلام مندرج در صورت‌های مالی باید زمان بیشتری را صرف بررسی حساب‌ها و اقلام مندرج در صورت‌های مالی کنند (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳). لذا، از آنجا که اطلاعات مالی نسبت به گذشت زمان بسیار حساس است و با مرور زمان ارزش و سودمندی خود را در تصمیم‌گیری‌ها از دست می‌دهد، هر چه فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار گزارش حسابرسی کوتاه‌تر باشد، ارزش اطلاعاتی آن بیشتر خواهد شد (بدری و علیخانی، ۱۳۸۵).

لونتیس و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند به‌موقع بودن گزارش حسابرس، ویژگی مهمی در بازارهای نوظهور است. زیرا، سرمایه‌گذاران برای استفاده از اطلاعات منبع قابل اتکای دیگری غیر از صورت‌های مالی حسابرسی شده ندارند. بنابراین، گزارشگری به‌موقع موجب بهبود تصمیم‌گیری و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه می‌شود. هم‌چنین، اتخاذ تصمیم‌های معقول اقتصادی و تخصیص بهینه منابع محدود با توجه به کمیاب بودن منابع اطلاعاتی به‌موقع، معتبر و قابل‌اتکاء امکان‌پذیر نیست. به این ترتیب، با توجه به آن که گزارش حسابرسی شامل اظهارنظر حسابرس در مورد قابلیت اعتماد صورت‌های مالی است، لذا مشاهده شده است که به‌طور معمول سرمایه‌گذاران، دوره کوتاه‌تر این نوع گزارش را ترجیح می‌دهند؛ چرا که از دید سرمایه‌گذاران هرچه مدت زمان گزارش حسابرسی افزایش یابد، نشان دهنده نوعی خبر بد و یا ناخوشایند در مورد

شرکت است (بلانکلی و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، درک عواملی که تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا، ثابت شده است که تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی با میزان کیفیت کار حسابرسان، رابطه مثبتی دارد (سلطانی^{۱۹}، ۲۰۰۲؛ لونتیز^{۲۰} و همکاران، ۲۰۰۵؛ و شو^{۲۱} و همکاران، ۲۰۱۵).

پیشینه پژوهش

جاگی و تسوی^{۲۲} (۱۹۹۹) در پژوهشی نشان دادند که شرکت‌های دارای وضعیت مالی ضعیف با تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی طولانی‌تری مواجه خواهند شد. هاو^{۲۳} و همکاران (۲۰۰۰) بیان داشتند گزارش‌های مالی شرکت‌هایی که اخبار خوب را منتشر می‌کنند نسبت به شرکت‌هایی که اخبار بد را منتشر می‌کنند، زودتر ارائه می‌شود. به اعتقاد ورمرت^{۲۴} و همکاران (۲۰۰۰) طولانی شدن زمان انتشار گزارش‌های مالی و طولانی شدن عملیات حسابرسی در هم تنیده شده است و به صورت مترادف در ادبیات گزارشگری مالی به کار برده می‌شود. از دیدگاه لونتیس و همکاران (۲۰۰۵) به‌موقع بودن گزارش حسابرسی ویژگی مهمی در بازارهای نوظهور است. زیرا، سرمایه‌گذاران برای استفاده از اطلاعاتی غیر از صورت‌های مالی حسابرسی شده منبع قابل‌اتکای دیگری ندارند. بنابراین، گزارشگری به‌موقع موجب بهبود تصمیم‌گیری و کاهش نامتقارنی اطلاعات در بازار سرمایه می‌شود.

نتایج پژوهش کریشنان و یانگ (۲۰۰۹) و لمبرت و همکاران (۲۰۱۱) در تأیید پژوهش‌های قبلی، این موضوع را بیان کردند که بین کیفیت پایین سود و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، رابطه معناداری وجود دارد. اوسولیوان و مک‌کالینگ (۲۰۱۲) اظهار داشتند که میزان اثرگذاری رضایت مشتریان بر ارزش شرکت بیش از سود است، و معیار رضایت‌مندی مشتری منجر به میانجی‌گری و ایجاد ارتباط بین کیفیت سود و ارزش شرکت می‌شود. در ادامه، آستانا^{۲۶} (۲۰۱۴) اظهار داشت که تأخیر غیرعادی در فرآیند حسابرسی به طور معناداری (قابل توجهی) با کیفیت ضعیف سود همراه است و بازتاب

این اطلاعات در رابطه با کیفیت سود ناشی از تأخیر غیرعادی حسابرسی به گونه‌ای مستقیم در ارزش شرکت مشاهده می‌شود.

بلانکلی^{۲۷} و همکاران (۲۰۱۴) با بیان این که اتخاذ تصمیم‌های معقول اقتصادی و تخصیص بهینه منابع محدود با توجه به کمیاب بودن منابع اطلاعاتی به موقع، معتبر و قابل اتکاء امکان‌پذیر نیست، معتقد بودند گزارش حسابرسی که شامل اظهار نظر حسابرس در مورد قابلیت اعتماد صورت‌های مالی است، به طور معمول سرمایه‌گذاران، دوره کوتاه‌تر آن را ترجیح می‌دهند؛ چراکه از دید سرمایه‌گذاران، افزایش در زمان ارائه گزارش حسابرسی نوعی خبر بد و یا ناخوشایند در مورد شرکت، انتظار می‌رود. به نظر **سولتانان^{۲۸} و همکاران (۲۰۱۴)** با افزایش در اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی: الف. تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی کم‌تر شده، و ب. ارائه گزارشگری مالی به موقع و با کیفیت خواهد شد. **شو و همکاران (۲۰۱۵)** نیز دریافتند که هم سطح و هم میزان نوسان در تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی با خطر اعتباری مشتریان در ارتباط است. هم‌چنین، سطح (نوسانات) تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، ضعیف‌ترین (بیشترین) قدرت پیش‌بینی بحران مالی برای شرکت‌ها را به همراه دارد.

در داخل کشور نیز، یافته‌های پژوهش **علوی طبری و عارف‌منش (۱۳۹۲)** بیانگر این بود که تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی در شرکت‌های حسابرسی شده به وسیله حسابرس متخصص صنعت، کوتاه‌تر است. هم‌چنین، **ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۳)** به این نتیجه رسیدند که تهیه صورت‌های مالی تلفیقی به وسیله شرکت اصلی و پایین بودن شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها، موجب افزایش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی خواهد شد. نتایج پژوهش **مهدوی و حسینی‌نیا (۱۳۹۴)** نیز نشان داد شرکت‌هایی که گزارش تعدیل شده دریافت می‌کنند، گزارش حسابرسی آنان دارای تأخیر بیشتری است. در نتیجه، بر اساس مبانی و پیشینه پژوهش، انتظار می‌رود تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی در تبیین رابطه بین کیفیت سود و ارزش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران اثرگذار باشد.

فرضیه‌های پژوهش

مطابق پژوهش‌های کریشنان و یانگ (۲۰۰۹)، لمبرت و همکاران (۲۰۱۱) و آستانا (۲۰۱۴) با کاهش کیفیت سود در شرکت‌ها، میزان تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی آنها افزایش می‌یابد و در همین راستا با افزایش میزان تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، ارزش شرکت‌ها دستخوش تغییر منفی خواهند شد. بنابراین، بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر طراحی و تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: کیفیت سود بر تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی بر ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: کیفیت سود بر ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

روش و نمونه پژوهش

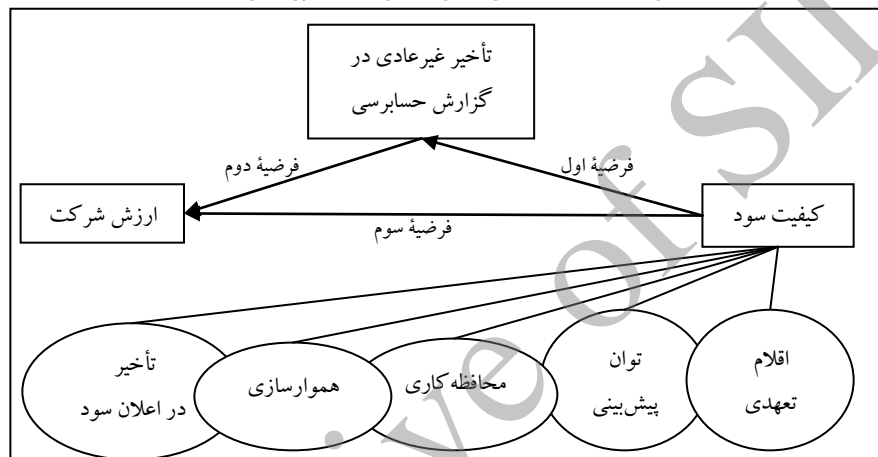
پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. لذا، به دلیل کمی بودن پژوهش، از فن‌های آماری و از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌شود و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می‌شود (نمازی، ۱۳۸۹). برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از آمار توصیفی استفاده و برای آزمون فرضیه‌ها از الگویابی معادلات ساختاری استفاده شده است. هم‌چنین، جامعه آماری مورد آزمون این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ۱۰ ساله از سال ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۲ است.

به دلیل برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه پژوهش مد نظر قرار گرفت: ۱. شرکت‌های نمونه جزء واسطه‌گری مالی نباشند؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبردی شرکتی در آنها متفاوت است. ۲. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد. ۳. تا پایان سال مالی ۱۳۷۹ در بورس

اوراق بهادار تهران پذیرفته باشند. ۴. در دوره زمانی مورد نظر (۱۳۹۳-۱۳۸۰) تغییر سال مالی نداده باشند. ۵. سایر اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۹۸۰ سال شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۲ حائز شرایط بالا بوده و به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. داده‌های میدانی مورد نیاز شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه مدیریت پژوهش سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سامانه کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین جمع‌آوری شده است.

شکل شماره ۱. رابطه بین متغیرها و فرضیه‌های پژوهش



الگویابی معادلات ساختاری (تحلیل مسیر)

یکی از هدف‌های اصلی فن‌های چند متغیره مانند رگرسیون‌های چند متغیره، تحلیل عاملی، تحلیل واریانس چند متغیره و روش‌هایی نظیر آن، گسترش توانایی تبیینی پژوهشگر و افزایش کارایی آماری است. الگویابی معادلات ساختاری، به بررسی مجموعه‌ای از روابط وابستگی به‌طور هم‌زمان می‌پردازد. استفاده از این روش، زمانی مفید است که متغیری وابسته در روابط وابستگی بعدی تبدیل به متغیری مستقل می‌شود. این مجموعه روابط، اساس الگویابی معادلات ساختاری را تشکیل می‌دهد (امانی و

همکاران، ۱۳۹۱). جذابیت الگویابی معادلات ساختاری در حوزه‌های مختلف علمی به

دو دلیل اساسی است:

الف) این شیوه در مواجهه با روابط چندگانه هم‌زمان، روش مستقیمی به دست می‌دهد که دارای کارایی آماری نیز است.

ب) توانایی این شیوه در ارزیابی روابط به‌طور چند جانبه سبب شده که پژوهش از تحلیل اکتشافی به تحلیل تأییدی انتقال یابد. این انتقال به نوبه خود سبب می‌شود تا نگرش

منظم‌تر و کلی‌تر از مسائل پدیدار شود (هیر^{۲۹} و همکاران، ۲۰۱۲).

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

در پژوهش حاضر کیفیت سود به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و برای اندازه‌گیری جامع آن، به این شرح عمل خواهد شد: ابتدا از پنج معیار کیفیت ارقام تعهدی، توان پیش‌بینی سود، محافظه‌کاری سود، هموارسازی سود و تأخیر در اعلان سود استفاده خواهد شد.

کیفیت ارقام تعهدی (ACC): در این پژوهش بر مبنای رویکرد کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) از کیفیت ارقام تعهدی تعدیل شده برای کنترل آثار عملکرد شرکت بر کیفیت ارقام تعهدی به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$\frac{ACC}{TA_{t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{TA_{t-1}} \right) + \alpha_1 \left(\frac{\Delta R_{it} - \Delta AR_{it}}{TA_{t-1}} \right) + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{TA_{t-1}} + \alpha_3 ROA_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن؛ ACC: کل ارقام تعهدی (تفاوت بین سود عملیاتی و جریان وجه نقد عملیاتی)؛ ΔR : تغییرات در درآمد؛ ΔAR : تغییرات در حساب‌های دریافتی؛ PPE: دارایی‌های ثابت مشهود؛ ROA: نرخ بازده دارایی‌ها؛ TA: جمع دارایی‌ها؛ ε : باقی‌مانده الگو که بیانگر معیار کیفیت ارقام تعهدی است (پروتی و واگن‌هوفر، ۲۰۱۴).

توان پیش‌بینی سود (PREDIC): مطابق پژوهش‌های هرلی^{۳۰} (۲۰۱۲) و پروتی و واگن‌هوفر^{۳۱} (۲۰۱۴)، قدرمطلق باقی‌مانده الگوی زیر به‌عنوان معیاری معکوس برای

اندازه‌گیری توان پیش‌بینی سودهای جاری استفاده شده، است.

$$CFO_{it+1} = \alpha_0 + \alpha_1 OP_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که در آن؛ CFO: جریان وجه نقد عملیاتی؛ OP: سود عملیاتی است. هم‌چنین، در الگوی بالا برای همسان‌سازی متغیرها و حذف اثر اندازه شرکت‌ها در نتایج پژوهش، تمامی متغیرها بر حسب میانگین دارایی‌های شرکت استاندارد شده است. محافظه‌کاری سود (PRUDENCE): همچون پژوهش پروتی و واگن‌هوفر (۲۰۱۴) برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری سود از الگوی گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده شده است. لذا، هر چه نسبت به دست آمده از این الگو بیشتر باشد، محافظه‌کاری بیشتر و در نتیجه کیفیت سود بالاتر خواهد بود.

$$\frac{NOACC_{it}}{TA_{it-1}} \times (-1) \quad (3)$$

هموارسازی سود (SMOOTHNESS): در این پژوهش همچون پژوهش‌های لئوز و همکاران (۲۰۰۳) و پروتی و واگن‌هوفر (۲۰۱۴) هموارسازی سود بر اساس مفهوم تغییرپذیری سود اندازه‌گیری شده است. پایین بودن این نسبت، بیانگر هموارسازی بیشتر سود و در نتیجه کیفیت بالای سود است. لازم به ذکر است که انحراف معیار سود عملیاتی و انحراف معیار جریان وجه نقد عملیاتی برای دوره‌های چهارساله محاسبه شده است.

$$\frac{\sigma(OP_i)}{\sigma(CFO_i)} \quad (4)$$

تأخیر در اعلان سود (ERDELAY): این معیار از دو طریق برای دوره زمانی پژوهش اندازه‌گیری می‌شود: الف) بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۳ مشابه پژوهش مهرآذین و همکاران (۱۳۸۹) از طریق تفاضل بین پایان سال مالی و تاریخ اولین پیش‌بینی سود به وسیله مدیران. ب) بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۷ مشابه دستورالعمل اجرایی افشاء اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار تهران لازم‌الاجرا برای سال مالی ۱۳۸۷ به بعد از طریق تفاضل بین تاریخ اولین پیش‌بینی سود به وسیله مدیران از تاریخ اول اسفندماه هر سال.

سرانجام، برای ارزیابی جامع از کیفیت سود، معیار زیر را می‌توان بر اساس پژوهش آستانا (۲۰۱۴) لحاظ کرد: ابتدا کیفیت سود برای هر مشاهده (سال-شرکت) به وسیله هر یک از معیارهای یاد شده محاسبه می‌شود. در مرحله دوم، با محاسبه میانه در هر صنعت به عنوان شاخص برای هر یک از معیارها، تمام مشاهده‌های به دست آمده را با توجه به نوع رابطه‌ای (مستقیم یا معکوس) که با کیفیت سود دارند مقدار ۰ یا ۱ به آنها اختصاص داده می‌شود. سپس، از جمع امتیازهای حاصله (۰ تا ۵) معیار استفاده شده در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت سود به دست می‌آید.

$$\begin{cases} \text{ACC. PREDIC and ERDELAY} \leq \text{Median}^{\text{Industry}} & .1 \\ \text{Otherwise} > \text{Median}^{\text{Industry}} & .0 \\ \text{PRUDENCE and SMOOTHNESS} \geq \text{Median}^{\text{Industry}} & .1 \\ \text{Otherwise} < \text{Median}^{\text{Industry}} & .0 \end{cases}$$

متغیر وابسته

ارزش گذاری شرکت‌ها از ضروریات برنامه‌ریزی برای مدیران و سرمایه‌گذاران است. از این رو، ارزش شرکت برای سهام‌داران، سرمایه‌گذاران، مدیران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان شرکت در ارزیابی آنها از آینده شرکت و تأثیر آن در برآورد خطر و بازدهی سرمایه‌گذاری و قیمت سهام از اهمیت بسزایی برخوردار است (ناویسی و نیکر^{۳۳}، ۲۰۰۶). در مطالعه حاضر از نسبت Q توبین لی^{۳۳} و همکاران (۲۰۱۴) به عنوان شاخص ارزش شرکت به شرح زیر استفاده شده است:

$$\text{Tobin Q} = \frac{\text{prcc_f} \times \text{csho} + \text{at} - \text{ceq}}{\text{at}} - \text{median}(\text{Tobin Q}^{\text{Industry}}) \quad (5)$$

که در آن؛ prcc_f: ارزش بازار هر سهم؛ csho: تعداد سهام در دست سهامداران؛ at: ارزش دفتری دارایی‌ها؛ ceq: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام؛ median^{industry}: میانه Q توبین صنعت است.

متغیر میانجی

متغیر میانجی (واسطه‌ای)، متغیری است که در رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته، سهمی داشته باشد. متغیرهای میانجی در واقع چگونگی تبدیل حوادث فیزیکی بیرونی را

به عوامل ذهنی درونی تبیین می‌کنند. اگر بین دو متغیر (مستقل و وابسته)، رابطه‌ای مشاهده شود و چنین فرض شود که متغیر مستقل به صورت مستقیم بر متغیر وابسته اثر نمی‌گذارد، بلکه بر متغیر سومی تأثیر گذاشته و آن متغیر بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد، در این صورت به متغیر سوم، متغیر میانجی گویند (شاور^{۳۴}، ۲۰۰۵). تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابداری که در پژوهش حاضر به عنوان متغیر میانجی استفاده شده است، به شرح زیر محاسبه می‌شود (برگرفته از پژوهش‌های آستانا، ۲۰۱۴؛ بلانکلی و همکاران، ۲۰۱۴؛ و جان^{۳۵} و همکاران، ۲۰۱۵):

$$\begin{aligned} LADELAY = & \beta_0 + \beta_1 FCOMPLEXITY + \beta_2 LSIZE + \beta_3 CURR2TA \\ & + \beta_4 LEVERAGE + \beta_5 DLOSS + \beta_6 DISTRESS \\ & + \beta_7 CURRATIO + \beta_8 ROA + \beta_9 LOWNCONC \\ & + \beta_{10} RETURN + \beta_{11} EGROWTH + \beta_{12} INVRATIO \quad (۶) \\ & + \beta_{13} AFEES + \beta_{14} DSUBSIDIARIES \\ & + \beta_{15} DFOREIGNOPS + \beta_{16} DCONTINGENCY \\ & + \beta_{17} ASIZE + \beta_{18} DEXPERT + \beta_{19} DTENURE \\ & + \beta_{20} DSWITCH + \beta_{21} DOPINION + \beta_{22} DCITYDUM + \varepsilon \end{aligned}$$

که در آن؛ LADELAY: لگاریتم تأخیر در ارائه گزارش حسابداری؛ FCOMPLEXITY: تمرکز بخش‌های تجاری (پیچیدگی عملیات شرکت برابر است با فروش بخش‌های تجاری شرکت به جمع فروش)؛ LSIZE: اندازه شرکت؛ CURR2TA: نسبت جاری؛ LEVERAGE: نسبت اهرم مالی؛ DLOSS: متغیر دو بخشی (۰،۱) برای احتمال ورشکستگی (الگوی آلمن، ۲۰۰۶ برای بازارهای نوظهور)؛ CURRATIO: نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری؛ ROA: نرخ بازده دارایی‌ها؛ LOWNCONC: لگاریتم تمرکز مالکیت؛ RETURN: بازده سالانه؛ EGROWTH: رشد سود؛ INVRATIO: نسبت موجودی‌ها به کل دارایی‌ها؛ LAFEES: لگاریتم حق‌الزحمه حسابرس؛ DSUBSIDIARIES: متغیر دو بخشی (۰،۱) برای وجود شرکت‌های فرعی؛ DFOREIGNOPS: متغیر دو بخشی (۰،۱) برای وجود عملیات خارجی (صادرات) در شرکت؛ DCONTINGENCY: متغیر دو بخشی (۰،۱) برای

وجود بدهی‌های احتمالی؛ ASIZE: اندازه حسابرسی؛ DEXPERT: متغیر دو بخشی (۰،۱) اگر حسابرسی ۲۰ درصد یا بیشتر در صنعت سهم داشته باشد؛ DTENURE: متغیر دو بخشی (۰،۱) اگر دوره تصدی حسابرسی ۳ سال یا بیشتر باشد؛ DSWITH: متغیر دو بخشی (۰،۱) برای تغییر حسابرسی؛ DOPINION: متغیر دو بخشی (۰،۱) برای اظهار نظر حسابرسی؛ DCITYDUM: متغیر دو بخشی (۰،۱) اگر مؤسسه حسابرسی در شهر بزرگ واقع شده باشد (در این پژوهش کلان شهر تهران در نظر گرفته شده است)؛ و E، باقی‌مانده الگو که به عنوان معیار تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی

جدول شماره ۱ آمار توصیفی برای همه متغیرهای پژوهش طبق محدودیت زمانی یاده شده را نشان می‌دهد. همان‌گونه که جدول مزبور نشان می‌دهد، میانگین تأخیر در ارائه اعلان سود، ۳۵/۰۱ روز است. افزون‌براین، با مشاهده شاخص ۲/۶۲ برای کیفیت سود، می‌توان بیان کرد که شرکت‌های بورسی در مجموع از کیفیت سود متوسطی برخوردارند. از سویی دیگر، میانگین تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی ۷۷/۴ روز است، این عدد با توجه به کران پایین که عدد ۲۰ روز را نشان می‌دهد و هم‌چنین، با توجه به میانگین و کران پایین شاخص ارزش شرکت که به ترتیب عدد ۲/۴۶ و ۱/۰۹ را نشان می‌دهد. می‌توان این‌گونه بیان کرد که در حالت کلی شرکت‌های نمونه، نیازمند بهبود زمان ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده خود هستند تا ارزش‌گذاری مطلوب‌تری در رابطه با آنان در بازار سرمایه انجام شود.

بررسی پایایی متغیرها

قبل از برآورد الگو باید پایایی (ایستایی) متغیرهای مورد استفاده در الگو مورد بررسی قرار گیرد. طبق جدول شماره ۲ و با استفاده از آزمون لوین، لین و چو در کلیه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی سطح معناداری در آزمون ریشه واحد (که باید

کوچک تر از ۰/۰۵ باشد) نشان دهنده این است که تمامی متغیرهای پژوهش از پایایی مناسب برخوردار هستند.

جدول شماره ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
تأخیر در گزارش حسابرسی	۷۷/۴۱۶	۸۱	۲۵/۶۵۶	۱۳۷	۲۰
کیفیت اقلام تعهدی	۰/۰۹۸	۰/۰۶۷	۰/۱۰۳	۰/۷۹۰	-۰/۸۰۳
توان پیش‌بینی سود	۰/۱۰۷	۰/۰۸۰	۰/۱۰۰	۰/۶۹۴	۰/۰۰۰
محافظه کاری سود	۰/۱۷۹	-۰/۰۲۰	۵/۲۸۶	۲/۴۰۴	-۴/۲۴۱
هموارسازی سود	۱/۹۳۳	۱/۰۹۰	۵/۸۰۱	۶/۴۷۴	۰/۰۰۲
تأخیر در اعلان سود	۳۵/۰۱۳	۲۱	۳۹/۴۷۱	۱۶۲	۱
کیفیت سود	۲/۶۱۷	۳	۱/۰۶۴	۵	۰
ارزش شرکت	۲/۴۵۷	۱/۸۹۶	۱/۶۴۷	۴/۸۶۶	۱/۰۹۰

جدول شماره ۲. بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آزمون لوین، لین و چو		آزمون لوین، لین و چو	
	آماره	سطح معناداری	متغیر	آماره
تأخیر غیرعادی در گزارش حسابرسی	۱/۸۳۷	۰/۰۰۳	قابلیت پیش‌بینی	۱۱/۵۵۲
کیفیت سود	۹/۰۷۲	۰/۰۰۰	محافظه کاری	۳۶/۱۷۶
ارزش شرکت	۳۲/۰۲۱	۰/۰۰۴	هموارسازی	۹/۲۵۰
کیفیت اقلام تعهدی	۱۰/۹۹۱	۰/۰۰۰	تأخیر در اعلان سود	۹/۲۷۰

آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه به شکل شماره ۲ و جدول شماره ۳، آماره t برای مسیرهای ۱ و ۲ (رابطه کیفیت سود و تأخیر غیرعادی حسابرسی و رابطه تأخیر غیرعادی حسابرسی و ارزش شرکت)، به ترتیب، (۲/۹۰۴) و (۳/۱۷۲) است. این آماره‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد کلیه ضرایب رگرسیونی مسیرها مطابق جدول شماره ۳ معنادار است. به عبارتی، مطابق

با آزمون فرضیه اول و ضریب مسیر آن، به هر میزانی که شرکت‌های بورسی از کیفیت سود بالایی برخوردار باشند، از میزان تأخیر غیرعادی حسابرسی آنان کاسته خواهد شد و هم‌چنین، براساس آزمون فرضیه دوم و ضریب مسیر آن، به هر میزانی که شرکت‌های بورسی از تأخیر غیرعادی حسابرسی کمتری برخوردار باشند، ارزش‌گذاری بیشتر خواهد شد.

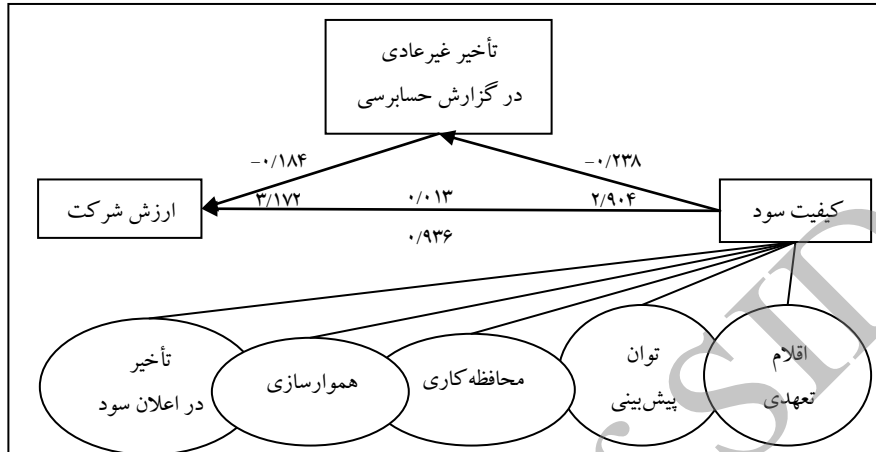
جدول شماره ۳. خلاصه نتایج آزمون فرضیه پژوهش

متغیرها	ضرایب مسیر	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
مسیر ۱	-۰/۲۳۸	-۲/۹۰۴	۰/۰۱۳	تأیید
CV-Red	۰/۱۱۳	CV-Com	۰/۴۸۹	
مسیر ۲	-۰/۱۸۴	-۳/۱۷۲	۰/۰۲۷	تأیید
CV-Red	۰/۱۴۹	CV-Com	۰/۳۹۸	
مسیر ۳	۰/۰۱۳	۰/۹۳۶	۰/۲۵۶	رد
CV-Red	۰/۰۴۱	CV-Com	۰/۰۲۸	
تأخیر غیرعادی در گزارش حسابرسی	R^2 (۰/۲۹۴)	AVE (۰/۵۴۹)		
ارزش شرکت	R^2 (۰/۳۱۱)	AVE (۰/۵۲۶)		
آماره آزمون سوبل		۲/۱۴۱		
آماره آزمون گودمن		۲/۲۰۱		
آماره عامل حساب واریانس (VAF)		۰/۷۷۱		

در ادامه، با مشاهده مقدار آماره t مسیر ۳ (ارتباط کیفیت سود و ارزش شرکت) که ۰/۹۳۶ است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضرایب رگرسیونی مسیر معنادار نیست و در رابطه با آزمون فرضیه سوم می‌توان چنین بیان نمود که هیچ‌گونه رابطه‌ای بین کیفیت سود و ارزش شرکت‌ها مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، شاخص واریانس استخراج شده (AVE) نیز، نشان‌دهنده اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است. مقدار R^2 متغیرهای وابسته پژوهش، به ترتیب، برابر با ۰/۲۹۴ و ۰/۳۱۱ است. بنابراین، با توجه به این مقدار می‌توان ۲۹/۴ و ۳۱/۱ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته (تأخیر غیرعادی حسابرسی و ارزش شرکت) را به وسیله متغیرهای مستقل (کیفیت سود) پیش‌بینی کرد. سرانجام با

توجه به نتایج هر سه مسیر می توان چنین بیان کرد که متغیر تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی به عنوان متغیر میانجی گر در تبیین رابطه بین کیفیت سود و ارزش شرکت، با توجه به معنادار نبودن مسیر ۳ (فرضیه سوم)، نقش اساسی را ایفا می کند.

شکل شماره ۲. خلاصه نتایج آزمون فرضیه پژوهش



هم چنین، براساس آماره CV-Red و CV-Com که، به ترتیب، بیانگر شاخص بررسی اعتبار حشو (افزونگی) و شاخص بررسی اعتبار اشتراک (روایی متقاطع) است، با نمایش اعداد مثبت برای هر سه مسیر، نشانگر کیفیت مناسب الگوی ساختاری برای هر سه مسیر پژوهش است. در این راستا، مقدار آماره های مرتبط با آزمون سوئل و گودمن که مرتبط با الگوی پژوهش هستند، در سطح ۹۵ درصد، نقش میانجی گری تأخیر غیرعادی حسابرسی را تأیید کردند و از سویی دیگر مطابق با آزمون عامل حساب واریانس می توان بیان نمود که ۷۷/۱ درصد اثر کل، به وسیله متغیر میانجی تشریح می شود.

نتیجه گیری و پیشنهادها

از آنجا که اطلاعات مالی نسبت به گذشت زمان بسیار حساس است و با مرور زمان ارزش و سودمندی خود را در تصمیم گیری ها از دست می دهد، هر چه فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار گزارش حسابرسی کوتاه تر شود، ارزش اطلاعاتی آن بیشتر خواهد شد (بدری و علیخانی، ۱۳۸۵). بنابراین، درک عواملی که تأخیر در ارائه گزارش

حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد ریال مهم است. در نتیجه، بر اساس شواهد به دست آمده از فرضیه اول، می‌توان چنین بیان کرد که حسابرسان برای ایفای مسئولیت خود که اعتبار بخشی به صورت‌های مالی است، باید از طریق انواع بررسی‌های کمی و کیفی، معیارهای اثرگذار بر کیفیت سود (شامل کیفیت اقلام تعهدی، محافظه‌کاری، هموارسازی و غیره) را به دقت مورد تحلیل قرار دهند. زیرا، خروجی این گونه موارد موجب تأثیر مستقیم بر زمان کار حسابرسان (افزایش یا کاهش) خواهد شد. از این رو، مطابق با مبانی نظری و پیشینه‌های مرتبط، نتایج فرضیه اول به‌طور مستقیم و غیرمستقیم همسو با نتایج پژوهش‌های هاو و همکاران (۲۰۰۰)، لمبرت و همکاران (۲۰۱۱)، اوسولیوان و مک کالینگ (۲۰۱۲) و آستانا (۲۰۱۴) است.

بر اساس شواهد به دست آمده از آزمون فرضیه دوم می‌توان چنین بیان کرد، چون که ارزش شرکت برای سهام‌داران، سرمایه‌گذاران، مدیران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان شرکت در ارزیابی آنها از آینده شرکت و تأثیر آن در برآورد خطر و بازدهی سرمایه‌گذاری و قیمت سهام از اهمیت بسزایی برخوردار است و هم‌چنین، از آنجا که گزارش حسابرسی شامل اظهارنظر حسابرسان در مورد قابلیت اعتماد صورت‌های مالی است؛ مشاهده می‌شود که سرمایه‌گذاران، دوره کوتاه‌تر گزارش حسابرسی را ترجیح می‌دهند و در مقابل تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی (به‌ویژه از نوع غیرعادی)، واکنش منفی زیادی از خورد بروز می‌دهند. در نتیجه، مطابق با مبانی نظری و پیشینه‌های مرتبط، نتیجه فرضیه دوم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم همسو با نتایج آستانا (۲۰۱۴)، بلانکلی و همکاران (۲۰۱۴) و شو و همکاران (۲۰۱۵) است.

سرانجام، در راستای آزمون فرضیه سوم می‌توان چنین اظهار داشت که سهامداران و سرمایه‌گذاران به دلایل گوناگونی قادر به تشخیص مناسب و به‌موقع کیفیت ضعیف سود نیستند و آنان تعدیلات خود را بر ارزش شرکت بر اساس مؤلفه‌های دیداری و سهولت‌پذیر بسیاری انجام می‌دهند که می‌توان گفت تأخیر زمانی رخ داده در ارائه گزارش حسابرسی یکی از این مؤلفه‌های حیاتی است. زیرا، از نگاه سرمایه‌گذاران،

افزایش در زمان گزارش حسابرسی نوعی خبر بد و یا ناخوشایند در مورد شرکت تلقی می‌شود. به عبارتی، تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی ممکن است خبری بد (منفی) در ارتباط با کیفیت ضعیف سود به سرمایه‌گذاران ارائه دهد و این گونه اطلاعات در مورد کیفیت سود به دلیل تأخیر غیرعادی حسابرسی به گونه‌ای مستقیم به وسیله سرمایه‌گذاران در ارزش شرکت در بازار سرمایه منتقل خواهد شد. هم‌چنین، با توجه به عدم ارتباط بین کیفیت سود و ارزش شرکت، می‌توان با احتیاط چنین بیان کرد که بازار سرمایه ایران از کارایی اطلاعاتی لازم برخوردار نبوده است؛ زیرا، طبق مشاهدات در بازار سرمایه ایران، اطلاعات مربوط به کیفیت سود و شاخص‌های مرتبط با آن، اثرگذاری به‌موقعی بر ارزش شرکت نداشته و سرمایه‌گذاران بیشتر درصدد استفاده از اطلاعات قابل‌اتکاتر (چون گزارش حسابرسی و اطلاعات نهفته در آن) نسبت به اطلاعات به‌موقع‌تر (چون شاخص‌های کیفیت سود) هستند. از این‌رو، طبق مبانی نظری و پیشینه‌های مرتبط، نتیجه آماری آزمون فرضیه سوم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم همسو با نتایج پژوهش‌های لمبرت و همکاران (۲۰۱۱)، اوسولیوان و مک‌کالینگ (۲۰۱۲)، پروتی و واگن‌هوفر (۲۰۱۴)، آستانا (۲۰۱۴)، سولتانان و همکاران (۲۰۱۴) و شو و همکاران (۲۰۱۵) است.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر به سرمایه‌گذاران، مدیران ارشد شرکت‌ها و سازمان بورس اوراق بهادار ارائه می‌شود:

الف. مطابق نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های اول و دوم به مدیران ارشد شرکت‌ها توصیه می‌شود با اندیشیدن تمهیدات لازم، سعی کنند کیفیت سود خود را با اتخاذ تدابیر لازم در نظام حسابداری و گزارشگری مالی، افزایش داده تا به این وسیله مدت زمان تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی کاهش یابد.

ب. با توجه به نتیجه فرضیه سوم به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود به تأخیر زمانی در ارائه گزارش حسابرسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرپذیر از کیفیت سود، توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ زیرا، به هر اندازه که میزان تأخیر در گزارش حسابرسی

افزایش یابد، این امر می‌تواند بیانگر نوعی ضعف در نظام مالی شرکت و در نتیجه احتمال مدیریت سود واقعی باشد.

پ. سیاست‌گذاران (مانند سازمان حسابرسی و سازمان بورس و اوراق بهادار)، دستورالعمل‌هایی را تصویب کنند که طبق آن شرکت‌ها ملزم به افشای کیفیت سود خود باشند؛ به عنوان نمونه، تهیه صورت کیفیت سود با محتوای تطبیقی سود پیش‌بینی شده و سود واقعی از سوی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

یادداشت‌ها

1. Fama
2. Soltani
3. O'Sullivan and McCallig
4. Leventis
5. Realization and Matching
6. Shua
7. Cheng
8. Jagi and Tsui
9. Kenchel and Payne
10. Haw
11. Kross
12. Wermert
13. Kinney and McDaniel
14. Kenchel and Payne
15. Lambert
16. Asthana
17. An
18. Blankley
19. Bushman and Smith
20. Sultana
21. Siagian
22. Hair
23. Bernstein
24. Herly
25. Dechow and Dichev
26. Protti and Wagenhofer
27. Schipper and Vincent
28. Navissi and Naiker
29. Visuanathan
30. Li
31. Francis
32. Shaver
33. Ashton
34. Chan
35. Carlsaw and Kaplan

References

- Alavi Tabari, S.H., Aref Manesh, Z. (2013). The investigating of relationship between audit industry specialization and audit report lag of the companies listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 4(14), 7-26 [In Persian].
- Altman, E. I. (2006). *Corporate Financial Distress and Bankruptcy*. Hoboken, NJ: John Wiley and Sons.

- Amani, J., Khzryazar, H., Mahmmodi, H. (2011). Presentation structural equation modeling of the minor least squares method PLS-PM- its application in behavioral research. *Psychological Knowledge*, 1, 41-55 [In Persian].
- An, Y.H. (2009). The effect of corporate governance on earnings quality: Evidence from Korea's corporate governance reform. *Ph.D Dissertation*, RMIT University.
- Asthana, S. (2014). Abnormal audit delays, earnings quality and firm value in the USA. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 12(1), 21-44.
- Badri, A., Alikhani, H. (2006). The factors affecting to analysis of process audit reports delay to CCT and FTC. *Journal of Management Message*, 21, 83-118 [In Persian].
- Bernstein, L. (1993). *Financial Statement Analysis: Theory, Application and Interpretation*, 5th edition. Richard Irwin.
- Blankley, A., Hurtt, D., MacGregor, J. (2014). The relationship between audit report lags and future restatements, *Auditing. A Journal of Practice and Theory*, 33(2), 27-57.
- Bushman, R.M., Smith, A.J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, 32(1-3), 237-333.
- Chan, K.H., Luo, V.W., Mo, P.L. (2015). Determinants and implications of long audit reporting lags: Evidence from China. *Accounting and Business Research*, 45(1), 1-22.
- Cheng, C., Johnston, J., Zishang, L.C. (2013). The supplemental role of operating cash flows in explaining share returns: Effect of various measures of earnings quality. *International Journal of Accounting and Information Management*, 21(1), 53-71.
- Dechow, P., Dichev, D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77(1), 35-59.
- Ezadinia, N., Nazarzadeh, S.N. (2009). The investigated relationship earning quality and stock yield in companies on listed Tehran Stock Exchange. *Journal of Development and Investment*, 3, 87-110 [In Persian].
- Ezadinia, N.; Fadavi, M.H., AminiNia, M. (2014). The investigated effect accounting complexity and transparency of financial reporting to the audit report delay. *Journal of Audit Science*, 14(54), 87-103 [In Persian].
- Fama, E.F. (1976). *Foundations of Finance*, Basic Books, New York, NY.
- Francis, J., Olsson, P.M.; Schipper, K. (2008). Earnings quality. *Foundations and Trends in Accounting*, 1(4), 259-340.

- Givoly, D., Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial accounting become more conservative? *Journal of Accounting and Economics*, 29, 287-320.
- Hair, J.F., Sarstedt, M., Ringle, C.M., Mena, J.A. (2012). An assessment of the use of partial least squares structural equation modeling in marketing research. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 40(3), 414-433.
- Haw, I., Qi, D., Wu, W. (2000). Timeliness of annual report releases and market reaction to earnings announcements in an emerging capital market: The case of China. *Journal of International Financial Management and Accounting*, 11(2), 108-131.
- Herly, M. (2012). Earnings quality in restating firms: Empirical evidence. Master thesis, The Aarhus University, Available at: http://pure.au.dk/portal/files/448774_92/Master1.pdf.
- Jaggi, B., Tsui, J. (1999). Determinants of audit report lag: Further evidence from Hong Kong. *Accounting and Business Research*, 30(1), 17-28.
- Kinney, W.R., McDaniel, L.S. (1989). Characteristics of firms correcting previously reported quarterly earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 11(1), 71-93.
- Knechel, W.R., Payne, J.L. (2001). Additional evidence on audit report lag. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 20(1), 137-146.
- Kothari, S.P., Leoneb, A.J., Wasley, C.E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 163-197.
- Krishnan, J., Yang, J.S. (2009). Recent trends in audit report and earnings announcement lags. *Accounting Horizons*, 23(3), 265-288.
- Kross, W. (1982). Profitability, earnings announcement time lags and stock prices. *Journal of Business Finance and Accounting*, 9, 313-328.
- Lambert, T., Brazel, J., Jones, K. (2011). Unintended consequences of accelerated filings: Are mandatory reductions in audit delay associated with reductions in earnings quality? *Working Paper*, Available at: http://ssrn.com/abstract_963402.
- Leuz, D., Nanda, D., Wysocki, P. (2003). Earnings management and investor protection: An international comparison. *Journal of Financial Economics*, 69, 505-527.
- Leventis, S., Weetman, P., Caramanis, C. (2005). Determinants of audit report lag: Some evidence from the Athens stock exchange. *International Journal of Auditing*, 9(1), 45-58.
- Li, F., Minnis, M., Nagar, V., Rajan, M. (2014). Knowledge, compensation, and firm value: An empirical analysis of firm communication. *Journal of Accounting and Economics*, 58, 96-116.

- Mahdavi, G.H., HosseiniNia, S. (2015). Investigating effectiveness of audit quality on reduction of audit report delay in companies on listed Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 6(21), 7-31 [In Persian].
- Merazin, A.R., Macihabadi, A., Mirshekari, S. (2010). Announcement of earnings delay and earnings management. *Journal of Empirical Studies of Financial Accounting*, 28, 107-134 [In Persian].
- Namazi, M. (2009). *Empirical Research in Accounting: Methodology Perspectives*, second edition, Shiraz University press. (Translate)[In Persian].
- Navissi, F., Naiker, V. (2006). Institutional ownership and corporate value. *Managerial Finance*, 32(3), 247-256.
- O'sullivan, D., McCallig, J. (2012). Customer satisfaction, earnings and firm value. *European Journal of Marketing*, 46(6), 827-843.
- Perotti, P., Wagenhofer, A. (2014). Earnings quality measures and excess returns. *Journal of Business Finance and Accounting*, 41(5), 545-571.
- Research and development center of capital market in Iran. (2004). Securities market in Iran: Challenges and prospects, 1-24, Available at: http://imps.ac.ir/uploads/1_21_21_26.pdf. [In Persian].
- Saghafi, A., Aghaei, M.A. (1994). Behavior accounting earning. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 9, 5-21 [In Persian].
- Saghafi, A., Blue, G. (2009). Cost of equity and earning characteristics. *Accounting and Auditing Research*, 1(2), 4-29 [In Persian].
- Saghafi, A., Sadidi, M. (2007). The effect of accounting conservatism on earnings quality and stock returns. *Accounting Studies*, 18, 1-24 [In Persian].
- Schipper, K., Vincent, L. (2003). Earnings quality. *Accounting Horizons*, 17, 97-111.
- Shaver, J.M. (2005). Testing for mediating variables in management research: Concerns, implications, and alternative strategies. *Journal of Management*, 31, 330-353.
- Shua, P., Chenb, T., Hung, W. (2015). Audit duration quality and client credit risk. *Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics*, 22(2), 137-162.
- Siagian, F., Siregar, S.V., Rahadian, Y. (2013). Corporate governance, reporting quality, and firm value: Evidence from Indonesia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 3(1), 4-20.
- Soltani, B. (2002). Timeliness of corporate and audit reports: Some empirical evidence in the French context. *The International Journal of Accounting*, 37(2), 215- 246.

Sultana, N., Singh, H., Van Derzahn, W.M. (2014). Audit committee characteristics and audit report lag. *International Journal of Auditing*, 18, 1-16.

Visvanathan, G. (2006). An empirical investigation of 'closeness to cash' as a determinant of earnings response coefficients. *Accounting and Business Research*, 36(2), 109-120.

Wermert, J.G., Dodd, J. L., Doucet, T.A. (2000). An empirical examination of audit report lag using client and audit firm cycle times. *Working Paper*, Available at: <http://www.faculty.cbpa.drake.edu>.

Archive of SID